

آراء و اندیشه‌های

# خلیل عبدالکریم

محقق:

محمد بکایی

زیر نظر:

محمدتقی گرمی

تهیه‌کننده مطالعات اسلامی

مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی

زمستان ۱۳۷۹

هر گونه تکثیر و نسخه‌برداری منوط به اجازه کتبی مدیر مرکز است.  
نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.

تهران: صندوق پستی ۳۵۱۶-۱۵۸۱۵ تلفن: ۸۱۵۳۴۱۶ فاکس: ۸۱۵۳۲۸۹

## فهرست:

### پیشگفتار

- ۱ - مقدمه .....
- ۸ - نگاهی انتقادی به اندیشه‌های خلیل عبدالکریم .....
- ۱۱ - فصل اول: ریشه‌های تاریخی شریعت اسلام .....
- ۳۱ - فصل دوم: قریش از یک قبیله تا دولتی مرکزی .....
- ۵۹ - فصل سوم: دولت یثرب .....
- ۶۷ - فصل چهارم: جامعه یثرب .....
- ۷۵ - فصل پنجم: عرب و زن .....
- ۹۱ - فصل ششم: شخصیت و وضعیت صحابه پیامبر (۳) .....
- ۱۳۵ - کتاب شناخت (معرفی کتابهای خلیل عبدالکریم) .....
- ۱۳۶ - منابع عمده تحقیق .....

## پیشگفتار

سومین دفتر از آراء و اندیشه‌های متفکران مسلمان زیر عنوان خلیل عبدالکریم به محققان و علاقمندان مباحث اسلامی عرضه می‌شود. مخاطبان آشنای این گونه آثار نیک می‌دانند که هدف اصلی این مجموعه اطلاع‌رسانی پژوهشی است و محقق را در مطالعه متون اسلامی و اطلاع از نگاه‌های متفاوت به سنت اسلامی یاری می‌رساند. به طور قطع نمی‌توان همه آراء و اندیشه‌های متفکری را به طور کلی قبول یا رد کرد، بویژه در مباحث تاریخی آنچه که در سایه استدلال و شواهد کافی از متون نقلی نمره قابل قبول می‌آورد، می‌تواند قابل اتکا باشد. لذا انتشار این مجموعه هرگز به معنای تأیید نظرات نویسنده نیست. از سوی دیگر برای ما ایرانیان دانستن آراء اندیشمندان مسلمان مصری از آن رو حائز اهمیت است که ما و مصریان هر دو با پیشینه تمدنی بزرگ، اسلام را به عنوان یک دین قبول کرده‌ایم و این نقطه اشتراک در گشودن گره‌های فکری جامعه اسلامی امروز می‌تواند بسیار کارگشا باشد. امید است دفترهای دیگر این مجموعه نیز بزودی عرضه شوند و در سایه بحث و بررسی بیشتر منتقدان و متفکران، آینده روشن تمدن و فرهنگ اسلامی را نوید دهند.

مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی

معاونت پژوهشی و آموزشی

## مقدمه

برای شناختن نوع نگاه خلیل عبدالکریم به سیره، ناچار از بحث درباره‌ی دو نوع مفسر هستیم. از آن جهت تنها لغت سیره را در مسیر نگاه عبدالکریم قرار دادیم که زمینه تمام کتاب‌های وی، سیره و برداشت‌های دیگرگون از آن است.

مفسر نوع اول، لفظ‌گرا یا عینی‌گراست که مشاهدات خویش را خنثی و بی‌طرف می‌پندارد. وی تنها متن تاریخی را بعد از تحقیق و اعتقاد به صحیح بودنش نقل می‌کند، بی آن که به تأثیر و تأثر متن اعتقادی داشته باشد. او با این تصور که نوع برداشت‌ها و سنت‌های فکری زمانه‌اش بر تعبیر وی از مسأله تاریخی تأثیری ندارد، تنها به نقل بسنده می‌کند.

مفسر نوع دوم، کسی است که از عینیت تاریخ فراتر می‌رود و به تاریخیت تاریخ می‌پردازد. این نوع از مفسرین معتقدند که ادراک هر شخص از هر وضعیتی، همواره با فهم قبلی آنها از وضعیت خودشان آمیخته است.

در این نوع نگاه، چگونگی بودن، زیستن، اندیشیدن و نحوه‌ی به‌کارگیری کلمات و بار عاطفی - معنایی واژه‌ها در تفسیر متون تاریخی، تأثیر انکارناپذیر دارند. به اعتقاد این گونه مفسران، افق نگاه مردمان امروز با افق گذشتگان در تاریخ در هم می‌آمیزد و با جستجو در پیش فرض‌ها و سنت‌ها و هم‌چنین با دقت و گاه تشکیک در آنها، می‌توان به تفسیری تازه رسید؛ تفسیری که همراه با ضروریات زمانه باشد. همراهی از آنجا

سرچشمه می‌گیرد که در این نوع اعتقاد، افق‌های نگرشی، مجموعه‌ای بسته و ناگشودنی نیستند. افق‌ها انعطاف‌پذیرند و برآمدگی یکی در فرورفتگی دیگری می‌نشیند و با این امتزاج، فهم نوین شکل می‌گیرد.

بی‌شک خلیل عبدالکریم خواسته یا ناخواسته از مفسرین نوع دوم است و نوع نگاهش در حیطه‌ی این گونه برداشت‌ها می‌گنجد. ناچاریم برای شناخت او به اندیشه‌های این دسته از مفسرین بپردازیم و مؤلفه‌های دیدگاهشان را آشکار سازیم.

در این دیدگاه، برخلاف برخی از انواع تاریخی‌گری، هیچ چیز حاکی از آن نیست که گذشته امری ناشناختنی است. این انکار شناخت از آنجا ناشی می‌شود که معتقد به بسته بودن افق‌ها باشیم و بر این اساس، گذشته را تمام شده و دست نیافتنی بپنداریم. البته نباید از نظر دور داشت که دست یافتن و یا شناخت گذشته به معنای دقیق رهیافت به حقیقت ماجرا نیست، بلکه با اعتقاد به انعطاف افق دیده‌ها می‌توان به افق و نوع نگاهی تازه دست یافت که مولود امتزاج افق ما با افق‌های پیشینیان است. بر این اساس، تحقیق تاریخی، برخی پیش داورهای را پاک کرده و شکیبایی و اغماض را در آدمی تقویت می‌کند. برای رسیدن به این مرحله می‌بایست افق گذشته در کانون دید قرار گیرد و عناصری که پیشتر یا دیده نشده‌اند و یا شکل‌هایی مبهم و نا روشن داشته‌اند، آشکار شوند.

برای دیدن گذشته، نیازمند متن مکتوب هستیم تا کانون دید ما موضوعی برای نگریستن داشته باشد. این کلمه و نوشته است که در هر سنتی پیوند گذشته با حال را حفظ می‌کند. متن تنها بخشی از گذشته نیست، بلکه هر زمان که خوانده شود هنوز با معناست. رابطه‌ی مفسر با متن، پلی بر شکاف تاریخی میان گذشته و حال است. این رابطه نمودی از زبان و زیانمندی است.

در عین حال باید توجه داشت که زبان هم پدیده‌ای تاریخی است. هر زبانی به زمینه و شرایط تاریخی خاصی متصل است. بر این اساس، زبان حال که برخاسته از



وضعیت‌ها و سنت‌های موجود است، در مقابل - و نیز - در امتزاج با زبان گذشته، به پر کردن شکاف‌ها و ساختن پل‌ها می‌پردازد تا رابطه‌ای بسامان میان حال و گذشته ایجاد شود.

بر همین اساس است که در کتاب‌های عبدالکریم نقل قول‌های فراوانی از نویسندگان معاصر دیده می‌شود که آنها را اساس برداشت‌های تاریخی خود ساخته است. در واقع او در پی آن است که با دوباره خوانی تاریخ - آن هم نه به صورتی خطی و سطحی - وقایع مشابه از نظر جوهر حادثه به گونه‌ای هم‌نشین یکدیگر گردند تا از برکت این هم‌نشینی، تفسیری تازه سربرآورد و کارها بکنند.

در اینجا پیش از پرداختن به روش نویسنده در بازخوانی متون، ناچار از ذکر مؤلفه‌های افق ذهنی او هستیم تا با شناخت آنها نوع تفسیر او از سیره و نحوه‌ی امتزاج افق‌های حال و پیشین وی روشن گردد.

ظهور افرادی مانند خلیل عبدالکریم را باید در ادامه و بر اثر پدید آمدن تفکر اخوان‌المسلمین در جهان عرب دانست. بی‌شک حضور اندیشه، جریان‌ها و موج‌های موافق و مخالف در جامعه به دنبال دارد. تجربه‌ی تاریخی ثابت کرده‌است که جریان مخالف - البته به شرط سازنده و به سامان بودن محیط علمی - بیشترین کمک در پی‌ریزی و اصلاح ساختمان هر اندیشه‌ای است. هر دانشجوی منصفی که گذری هر چند اندک مثلاً در سیر تطور علم داشته باشد، نمی‌تواند منکر سهم بیش از اندازه‌ی اخباریون در تکامل و پیچیده‌تر و به کار آمدتر شدن آن شود.

با این پیش‌فرض می‌توان سیر کارهای عبدالکریم را در مطالعات و بررسی‌های علمی‌اش شناسایی کرد و پی گرفت. اما پیش از آن بنا به قاعده‌ی "تعرف الاشیاء با ضدادها" می‌بایست نگاهی کلی به پدیده‌ی اخوان‌المسلمین انداخت.

اخوان‌المسلمین سازمانی اسلامی و سیاسی است که از اواسط قرن ۱۴ قمری در مصر و سپس در دیگر کشورهای عربی و اسلامی به فعالیت پرداخته است.

اخوان المسلمین در ذیقعدہ ۱۳۴۷ قمری به دست حسن البنا (۱۳۲۴ - ۱۳۶۸ ق) در اسماعیلیه مصر پایه گذاری شد و کار خود را در اتاقی کوچک - که مدرسه التهذیب نامیده شد - با تعلیم قرآن، تجوید، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی شروع کرد.

حسن البنا خود از کودکی حافظ قرآن بود و پس از تأسیس جمعیت "اخوان" قرائت روزمره قرآن به ویژه سوره فاتحه، زلزال، کافرون، اخلاص، نصر، معوذتین و آیه الکرسی و بسیاری آیات دیگر، و درست تلاوت کردن و حفظ بعضی از سوره‌ها و شرکت در مجالس هفتگی تفسیر را جزو برنامه‌ها و تکالیف اولیه اخوان قرار داده بود و چند اثر قرآنی نیز تألیف کرده است. همچنین سنید قطب (۱۹۰۳ - ۱۹۶۶ م) از یاران حسن البنا و از مشاهیر اخوان المسلمین آثار متعددی در قرآن شناسی و تفسیر دارد.

در اولین سرمقاله مجله ارگان اخوان المسلمین، -الفتح- خط مشی این سازمان، پیروی از قرآن کریم و رسول خدا اعلام شد. آنها از مدافعین حقوق مسلمانان به ویژه مردم فلسطین بودند و در سال‌های جنگ، اعضای این جنبش در فلسطین به مصاف یهودیان پرداختند.

هدف آنها مبارزه با پدیده اسلام زدایی در مصر بود تا با توسعه فعالیت‌های اسلامی و نگارش نامه‌های مختلف و بعضاً تهدیدآمیز برای سران حکومت مصر، آنها را از فساد و انحراف باز دارند و به تعالیم حیات بخش اسلام دعوت کنند.

با نگاهی اجمالی به حرکت اخوان المسلمین در جامعه‌ی عرب - به طور کلی - و در مصر - با نگاهی جزئی تر - می‌توان هدف‌ها و شعارهای آنان را در چند محور خلاصه کرد:

- تمسک جستن به شریعت اسلامی به عنوان رکنی سازنده در هویت اسلامی به خصوص در برابر غرب زدگی.

- استفاده از مفاهیم و ابزارهای ایدئولوژیک و تفسیر ایدئولوژیک از دین.

در سال ۱۹۷۰ و هم‌پای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی در مصر (۱۹۷۱)،<sup>(۱)</sup> مسأله‌ی اجرای شریعت در چارچوب سیاسی و حقوقی، شکل دیگری به خود گرفت. در آن زمان بین تمام احزاب و فعالان سیاسی این پرسش مطرح شد که آیا شریعت اسلامی باید به عنوان تنها منبع قانون‌گذاری به شمار آید و یا از جمله منابع عمده‌ی در این راه است؟ این پرسش بیش از آن که تنها معنای حقوقی داشته باشد، به ماهیت حکومت و سیاست و نقش عوامل متعدد در پیکره‌ی آن اشاره می‌کرد. تمام جریان‌ها و احزاب از ناصری‌ها و مارکسیست‌ها گرفته تا لیبرالیست‌ها مایل بودند که حرکتشان رنگ و بویی دینی داشته باشد. این خواسته قبل از آن که از ذات تفکرشان تراویده باشد، به استفاده‌ی ابزارهای آنان از دین باز می‌گشت که به دنبال مشروعیت بخشیدن به خود بودند و به فکر اشغال جایگاهی در خود در ذهن و نگاه عامه‌ی مردم. با شدت گرفتن چالش میان دولت و گرایش‌های بنیادگرای اسلامی، دولت تصمیم گرفت شریعت اسلامی را به عنوان تنها منبع قانون‌گذاری در کشور مصر معرفی کند. از سوی دیگر حرکت‌های بنیادگرا با تکیه بر شعار محوری خود یعنی اجرای شریعت، سعی در نامشروع دانستن حکومت وقت داشتند.

با روی کار آمدن انور سادات نزاع میان دولت و جنبش‌های بنیادگرا به اوج خود رسید. در این میان مفهوم اجرای شریعت به عنوان عاملی عمده در تقسیم‌بندی قدرت و فضای سیاسی، مطرح شد. با این رویکرد می‌توان تلاش‌های حرکت‌هایی مانند: التکفیر والهجرة، الجهاد، التحریر الاسلامی را تفسیر کرد که چگونه با به‌کارگیری ابزارهای شریعت اسلامی، سعی در حذف دولت وقت داشتند. آنان سعی می‌کردند با تصویری آرمانی از جامعه‌ی اسلامی، به ویژه مدینه‌النبی، حکومت وقت را جاهلیت نوین قرن

۱- در این باره نگاه کنید به کتاب زیر:

نبیل عبدالفتاح، النص و الرصاص؛ الاسلام السياسي والأقباط أزمات الدولة الحديثة في مصر، دارالنهج للنشر، ۱۹۹۷، ص ۲۲ - ۵۲ (الفصل الأول).



بیستم، بنامند. همین طرز فکر و تلاش‌هاست که عبدالکریم را وامی‌دارد تا کتابی مانند "جامعه یثرب" را بنگارد. تلاش او، همان طور که در متن آمده‌است، بر این موضوع قرار می‌گیرد که مدینه‌النبی آرمان شهری بی عیب و نقص نیست و مسایل و پیچیدگی‌ها و عصیان‌های انسانی در آنجا هم رخ می‌نموده‌است.

در این راستا می‌توان کتاب ۳ جلدی "شد و الریابه ... " را طبقه‌بندی کرد که نوع زندگی و روابط اجتماعی - اخلاقی و انسانی اصحاب را به نقد می‌کشد.

تأکید بیش از حد جماعت‌های اسلامی و اندیشه‌های بنیادگرا بر اجرای شریعت که آن را تنها راه خروج از وضعیت اسفبار و جهان سومی، می‌پنداشتند، افرادی مانند عبدالکریم را بر آن داشت که در ریشه‌های تاریخی احکام و حدود اسلامی، کنجکاوی کنند که حاصل این تلاش کتاب "الجذور التاريخية ... " بود.

افرادی چون عبدالکریم در پی آن بودند که با فهم و تبیین متون دینی و به ویژه ماهیت شریعت اسلامی، به عرصه‌ی کارزار و چالش طیف‌های سنتی و مدرن وارد شوند و تصویری صحیح از پیوند ایدئولوژی‌های دینی و پهنه‌ی سیاست ارایه دهند.

تلاش جماعت‌های اسلامی در تصویر جامعه‌ای مینوی و برین از زمان صدر اسلام عبدالکریم را بر آن داشت که حرکت پیامبر را ریشه‌یابی تاریخی کند. ثمره‌ی این تلاش کتاب‌های "قریش من القبيله ... " و "دولة یثرب" بود.

اندیشه‌ی بنیادگرا این بود که با استفاده از میراث اسلامی آن را از دسترس ناقدان دور نگاه دارد و عقل بشری را در فهم و تفسیر آن عاجز معرفی کند. در چنین افقی تجربه‌ی الهی به هیچ عنوان قابل تحویل و تبدیل به تجربه‌ی بشری نیست. نتیجه‌ی این نوع نگاه و تفکر بر تافتن تکثرگرایی و تاریخ‌مندی است که آرام آرام و در روندی منطقی به حکومتی توتالیتر و فرد محور منجر می‌شود.

افرادی چون عبدالکریم با تأکید بر تاریخ‌مندی شریعت و تفسیر بشری و انسانی از تاریخ صدر اسلام و نشان دادن اختلاف‌ها و مشکلات خاص جامعه‌ی اسلامی زمان



پیامبر، سعی داشته و دارند که ثابت کنند پیامبر و دیگر صحابه در مقام عمل و اداره‌ی جامعه‌ی خود، از دانش و تجارب بشری بهره می‌برند و وحی در اراده‌ی جمعی و اداره‌ی جامعه نقش عمده‌ای نداشته است.<sup>(۱)</sup>

با پذیرش این دیدگاه، ترکه راهی برای حضور عقل بشری در میانه‌ی هدایت و قانون‌گذاری امروزی در جوامع اسلامی، ایجاد می‌شود که می‌تواند هم‌پای چالش‌ها و مسایل نوین، کور سوی امید یبجوید و بیابد و فرا راه مردم قرار دهد.

در اینجا با سپاس از مسئولان محترم معاونت پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بویژه آقای سعید عدالت‌نژاد مدیر محترم مطالعات اسلامی که در گسترش و تعمیق فرهنگ و اندیشه اسلامی گام بر می‌دارند و هم‌شان را مصروف خدمات عالیه اسلامی نموده‌اند، این مجموعه را حضور اندیشه‌وران و صاحب‌نظران تقدیم می‌کنم. طبیعی است که در طرح و نقد هر اندیشه‌ای و از آن جمله آقای خلیل عبدالکریم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و کوشیده‌ام که در حد توان خود در کنار طرح افکار او، انتقاداتی را نیز مطرح کنم.

از راهنمایان و زحمات آقای محمدتقی کرمی سردبیر محترم این مجموعه نیز کمال تشکر را می‌نمایم و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان مسألت دارم. امید به در نوردیدن افق‌های روشن معرفت از سوی رهروان اندیشه‌های پاک انسانی و اسلامی.

محمد بکایی

۱- نگاه کنید به کتاب خلیل عبدالکریم با مشخصات زیر:  
 الإسلام، بین الدولة الدینیة و الدولة المدینة، دارسینا للنشر، القاهرة، ۱۹۹۵.